

مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۳ - شماره ۲۹ - پاییز ۱۴۰۱

صفحات ۱۳۳ - ۱۶۰ (علمی - پژوهشی)

بررسی اغراض بلاغی خبر و انشای طلبی در دوبیتی‌های فایز دشتی

سید نیام‌الدین حسینی* / سید محمود سید صادقی** / شمس‌الحاجیه اردلانی***

چکیده

فایز دشتی (۱۲۵۰-۱۳۳۰ق) از شاعران ترانه‌سرای جنوب و از نمایندگان اشعار فولکلوریک و ادبیات عوام و بومی این منطقه است که در ترانه‌های خود به اندیشه‌های تعلیمی توجه ویژه دارد. او را با احساس‌ترین شاعر عوام و مردمی خوانده‌اند. با نگاهی کلی به دوبیتی‌های فایز می‌توان حضور عاطفه و احساس لطیف و ذوق شاعرانه او را همراه با عناصر گوناگون بومی دریافت. او در سروده‌ها و عاشقانه‌های غنایی خود به مسائل اخلاقی و تعلیمی اشاره کرده و به شیوه مؤثر از ابزارهای بلاغی، مخصوصاً علم معانی بهره برده است. فایز با استفاده از علم معانی و ابزارهای مناسب آن مانند جمله‌های پرسشی، خبری و امری، به شیوه‌ای مؤثر در انتقال مفاهیم اخلاقی و تعلیم آن‌ها به مخاطب خود موفق بوده و در عین حال از این طریق، حضور مخاطب را در لابه‌لای متن برجسته‌تر نشان داده است. نگارندگان در این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای به بررسی این دسته از جملات و معانی ثانویه آن‌ها پرداخته و نکات برجسته سه مبحث از علم معانی، یعنی جملات پرسشی، امری و خبری و نقش و تأثیر آن‌ها در انتقال مؤثر مضامین تعلیمی شاعر در سروده غنایی و عاشقانه را شرح و تبیین کرده‌اند.

کلیدواژه: ادبیات تعلیمی، فایز دشتی، دوبیتی، خبر و انشا، علم معانی.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)

sadeghi.mhmood33@yahoo.com

*** استادیار زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۰۵/۰۸ - پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳

۱. مقدمه

فایز یکی از شاعران دوبیتی‌سرای جنوب است که به‌خاطر سبک ویژه خویش در سخنوری اهمیت دارد؛ زیرا اندیشه‌ها و احساسات نازک و عواطف و مضمون‌ها و نکته‌های شاعرانه دقیق را در زبانی بسیار ساده و نزدیک به زبان محاوره و عوام بیان کرده است. زبان و شیوه بیان اندیشه او ریشه در چشمه پاک و زلال و زاینده زبان گفتار دارد. او آن‌قدر صادقانه سخن می‌گوید که سازها، سوزها، رازها و حال‌ها در کلام او به‌خوبی جلوه‌گر می‌شوند. فایز در دوبیتی‌های خود به شیوه‌ای هنرمندانه به نکات تعلیمی اشاره کرده است. علم معانی از ابزارهای بلاغی مؤثر است که نقش گسترده‌ای در بیان اندیشه و مفاهیم تعلیمی و انتقال نکات اخلاقی فایز در دوبیتی‌هایش داشته است.

در این پژوهش نقش علم معانی در انتقال پیام‌های تعلیمی دوبیتی‌های فایز بررسی شده تا مشخص گردد او هنگامی که در لابه‌لای دوبیتی‌های غنایی و عاشقانه خود خواسته به‌طور ضمنی به پند و اندرز و تعلیم روی بیاورد، از چه نوع جمله‌هایی استفاده کرده و چگونه آن‌ها را به کار برده است تا مضامین مورد نظر به بهترین شکل به مخاطب منتقل شود. بررسی این دسته از جملات و اغراض ثانویه آن‌ها برای شناخت اندیشه فایز و اهداف تعلیمی او بسیار ضروری است. با بررسی نوع جملات به‌کاررفته در ابیات تعلیمی و اغراض و معانی ثانویه آن‌ها چگونگی پیوند زبان غنایی فایز با اهداف تعلیمی او در این سروده‌ها مشخص می‌شود. همچنین این پژوهش نشان می‌دهد که آیا فایز به روش مستقیم و با کاربرد معانی حقیقی جملات به موعظه و تعلیم پرداخته یا برای تأثیر بیشتر، از روش غیرمستقیم و معانی ثانویه بهره برده است.

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص تأثیر علم معانی در ادبیات تعلیمی، پژوهش‌هایی صورت گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- جمالی (۱۳۹۵) در مقاله «نقد و تحلیل اغراض ثانوی خبر و انشا در علم معانی» به نقد و تحلیل خبر و انشای طلبی پرداخته است.
- طالبیان و فاتحی نصرآباد (۱۳۹۷) در مقاله «بیان مضامین تعلیمی در خلد برین وحشی بافقی با استفاده از خبر و انشای طلبی» به بررسی جملات امری، خبری و پرسشی خلد برین و معانی ثانویه آن‌ها پرداخته‌اند.
- میرباقری فرد و محمدی (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی و نقش پرسش در آثار عین‌القضات همدانی» مبحث پرسش را در آثار تعلیمی عین‌القضات بررسی کرده‌اند.
- محمودی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی اغراض بلاغی خبر و انشا در سبک تعلیمی ناصر خسرو» اشعار ناصر خسرو را از این منظر بررسی کرده است.
- تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های یادشده در این است که تاکنون هیچ پژوهشی مستقل در باره بیان مضامین تعلیمی در دوبیتی‌های فایز دشتی با استفاده از خبر و انشای طلبی صورت نگرفته است. بنابراین تحقیق حاضر در این زمینه برای اولین بار انجام می‌گیرد و نوآورانه است.

۳. اهمیت ادبیات تعلیمی در دوبیتی‌های فایز

با بررسی ابیات دوبیتی‌های فایز مشخص شد از مجموع ۲۲۴ بیت، ۵۴ بیت به صورت آشکار یا ضمنی، درون‌مایه تعلیمی دارند که با توجه به قرار داشتن این اثر در ژانر تعلیمی، این تعداد نشان‌دهنده اهمیت و ارزش بُعد تعلیمی اثر برای شاعر است. همچنین با توجه به نتایج پژوهش، فایز برای بیان اندیشه‌های تعلیمی خود به ترتیب از جملات خبری و امری بیشترین استفاده را کرده است. در این پژوهش تنها این دسته از جملات با تکیه بر دانش معانی و اهمیت معانی ثانویه جملات در آن بررسی می‌شوند.

۴. جملات انشایی

انشا در لغت به معنای ایجاد است و اگر خبر را جمله‌ای بدانیم که در ذات آن احتمال صدق و کذب وجود دارد و به عبارتی می‌توان آن را راست یا دروغ پنداشت، «انشا کلامی است که بالذات محتمل صدق و کذب نیست» (هاشمی، ۱۳۸۸: ۷۵)؛ بنابراین چون انشا از واقعه‌ای در خارج خبر نمی‌دهد، نمی‌توان آن را دروغ یا راست دانست. «مطابقت خبر با واقعیت خارجی به این معناست که جمله خبری از وقوع یا لاوقوع امری در خارج خبر می‌دهد؛ در حالی که مطابقت نداشتن انشا حکایت از وقوع یا لاوقوع امری در خارج نیست و جز با تلفظ به کلمات خاصه آن حاصل نمی‌شود، چنان که طلب فعل زدن در لفظ بز و طلب خودداری یا نهی از آن در لفظ مز و طلب محبوب در لفظ تمنا کاشکی و کاش وجود دارد» (رضانژاد، ۱۳۶۷: ۲۹۱). به‌طور کلی، انشا به دو گونه طلبی و غیرطلبی تقسیم می‌شود. انشای طلبی در منابع بلاغی اهمیت بسیار دارد؛ به‌طوری که بحث‌های مفصلی درباره ابواب آن در علم معانی مطرح شده است؛ اما در مقابل، با وجود اهمیت بحث انشای غیرطلبی، آن را خارج از حوزه بررسی‌های بلاغی تلقی کرده‌اند و در آثار بلاغی تنها به اقسام آن اشاره شده است.

«در بیشتر متون بلاغی منظور از بحث انشا، انشای طلبی است و انشای غیرطلبی را موضوع بررسی بلاغی نمی‌دانند. بعضی دلیل مهم تفکیک انشای غیرطلبی از انشای طلبی را نخواستن و طلب نکردن یا طلب نکردن در وقتی که مورد طلب حاصل باشد، دانسته‌اند» (رجایی، ۱۳۵۹: ۱۳۲)؛ اما انشای طلبی خواستن چیزی است به ایجاب یا به سلب، یعنی امر و نهی و طبق نظر قدما شامل تمنی، امر، نهی، استفهام، ندا و دعا می‌شود. با توجه به اینکه فایز از دو دسته از جملات انشای طلبی، یعنی جملات امری و پرسشی برای بیان اندیشه‌های تعلیمی استفاده کرده است، در این بخش به این دسته از جملات و اغراض ثانویه آن‌ها در ابیات مربوط پرداخته می‌شود.

۴-۱. جملات پرسشی

جملات پرسشی یا استفهامی از انواع انشای طلبی است که به دلیل دارا بودن معانی ثانوی و تأثیرگذاری در شیوه انتقال معنی، مفهوم و عاطفه به مخاطب، از موضوعات اساسی و مهم علم معانی محسوب می‌شود. در کتاب‌های بلاغت فارسی نیز با توجه به متون عربی، مباحثی درباره استفهام بیان کرده‌اند و در مواردی حتی واژه‌هایی که به عنوان الفاظ استفهام بیان شده، عربی است. تعریف همایی از پرسش نسبت به سایر منابع فارسی واضح‌تر و رساتر است: «استفهام در حقیقت به معنای پرسیدن است در مواردی که گوینده جاهل به امری باشد» (همایی، ۱۳۷۴: ۱۰۵).

اگر در جمله، سؤال به منظور درک و دریافت مجهول به کار رود، در معنای حقیقی خود به کار رفته و در صورتی که گوینده، انتظار شنیدن پاسخ از مخاطب نداشته باشد، در معنای ثانوی خود به کار گرفته شده است. «این نوع پرسش را پرسش بلاغی یا هنری یا ادبی یا استفهام مجازی یا استفهام در معنای ثانویه نیز می‌نامند» (کزازی، ۱۳۸۵: ۲۰۶). «در این موارد پرسشگر نمی‌پرسد تا بداند، بلکه هدف اصلی کلام او شگفتی، تویخ، سرزنش، استرحام، اندوه یا تمنی است. تنوع مقاصد ثانوی پرسش نشان می‌دهد که گوینده از این طریق بهتر و بیشتر می‌تواند پیام خود را ابلاغ و اندیشه‌های خود را القا کند» (آقاحسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

بر همین اساس، بررسی جمله‌های پرسشی مربوط به دوبیتی‌های فایز، بیانگر آن است که بیشتر ابیاتی که فایز به شکل پرسشی به کار برده، برای دریافت پاسخ از سوی مخاطب بیان نشده است. این گونه پرسش‌ها، نوعی تأیید گرفتن ذهنی از مخاطب است و در حقیقت همان روشی است که ارسطو در فن خطابه بیان کرده است: «برخی تأثیرات پرسش توسط شیوه‌ای که سخنرانی‌نویسان به کار می‌برند بر مستمعان گذاشته می‌شود تا بتواند از آگاهی دیگران بهره‌ای برده باشد» (ارسطو، ۱۳۷۱: ۲۱۳).

جمله‌های پرسشی اعم از معنای ثانویه و معنای حقیقی در ایجاد ارتباط گوینده با شنوندگان بسیار مؤثرند؛ زیرا مستقیماً شنونده را در مرکز توجه قرار می‌دهند و او را در گفت‌وگو سهیم می‌کنند.

در جملات پرسشی به‌کاررفته در ترانه‌های فایز گاهی شاعر بدون آنکه انتظار دریافت پاسخی داشته باشد، با توجه به احوال مخاطب، تنها تقاضای تأیید از سوی او را دارد. در این‌گونه موارد حتی اگر مخاطب اطلاعی از موضوع نیز نداشته باشد، فایز با این‌گونه پرسش‌ها به‌نوعی از مخاطب تأیید درونی می‌گیرد و مطلب را چنان واضح و آشکار بیان می‌نماید که ضمیر مخاطب ناآگاه را راهنمایی می‌کند و او را از این طریق به پذیرش تعلیمات خود وادار می‌سازد. «این امر به فرایند آموزش و تعلیم کمک می‌کند و از آنجا که حضور مخاطب احساس می‌شود، تأثیر کلام نیز افزایش می‌یابد» (محمودی، ۱۳۹۳: ۲۵۶). بیت زیر نمونه‌ای از این شیوهٔ تعلیم فایز از طریق جملات پرسشی است:

مکش سرمه به چشم نازپرور مکن روز مرا از شب سیه‌تر
نمی‌سوزد دلت از بهر فایز چه خواهی گفت فردا روز محشر؟
(فایز، ۱۳۹۳: ۷۹)

همچنین گاهی فایز برای بیان نکته‌های اخلاقی و تعلیمی خود همراه با ذکر پرسش، پاسخ آن را بیان می‌کند. این شیوهٔ پرسش، سبب می‌شود جست‌وجو و تلاش ذهنی مخاطب برای پیدا کردن پاسخ متوقف گردد و تنها بر پاسخ بیان‌شده تمرکز کند. بیت زیر نمونه‌ای از این شیوهٔ تعلیمی فایز است که پس از مذمت بخت و اقبال و تسلیم در برابر قضا و قدر، مخاطب را مورد توجه قرار می‌دهد و خطاب به او می‌گوید:

چرا از دلبر حوراسرشتم چو آدم دور از باغ بهشتم
به کام دل نشد فایز از او دور بشد روز ازل این سرنوشتم
(فایز، ۱۳۹۳: ۸۴)

در مواردی نیز فایز از طریق جملات پرسشی انکاری به موضوعات تعلیمی اشاره کرده است. او با استفاده از این جملات پرسشی و با لحن تحکم‌آمیز نهفته در آن‌ها از سویی مخاطبان آگاه به مطلب را مورد توجه قرار می‌دهد و از سوی دیگر از این جملات به صورت عاملی برای گرفتن تأیید ذهنی از مخاطبان ناآشنا استفاده کرده است. در استنفهام انکاری، هدف اصلی اثبات چیزی است که به شکل انکاری مورد پرسش قرار گرفته است؛ بنابراین فایز از این ابزار بلاغی برای بیان اندیشه‌های تعلیمی خود بهره برده است و بدون اینکه به طور مستقیم سعی در اثبات عقیده خود داشته باشد، با پرسش انکاری به این هدف دست می‌یابد.

رخ تو آتش و زلف تو دود است مرا زین سردمهری‌ها چه سود است؟
چو فایز در بیابان تشنه جان داد چه حاصل در صفاهان زنده‌رود است؟
(فایز، ۱۳۹۳: ۱۵)

بیان جملات پرسشی با اغراض ثانویه، شیوه‌های متفاوت بیان پرسش و در نظر گرفتن احوال مخاطب و استفاده از این ابزار بلاغی جهت انتقال پیام‌های تعلیمی، علاوه بر اینکه سبب ارتباط نزدیک شاعر با مخاطبان خود شده، به پویایی و زنده بودن متن نیز کمک فراوانی کرده است؛ زیرا اگر این گونه مطالب تعلیمی پی‌درپی و در قالب ارشاد و نصیحت و بدون در نظر گرفتن احوال مخاطب بیان شده بود، برای او جاذبه‌ای نداشت و متن را به مجموعه‌ای از اندرزهای خشک و خسته‌کننده تبدیل می‌کرد. «این شیوه در زنده کردن متن و ایجاد ارتباط با هر خواننده‌ای مؤثر است؛ زیرا در جمله‌هایی که مایه توییح، امر و تنبیه دارد، اولاً موضع برتر گوینده از آن جهت که مطلب را می‌داند در متن پررنگ می‌شود و ثانیاً مستقیماً مخاطب را در مرکز توجه قرار می‌دهد و در نتیجه به القای مفاهیم و مطالب آموزشی کمک می‌کند» (میرباقری، ۱۳۸۹: ۱۵۶).

جملات پرسشی در ترانه‌های فایز به ترتیب بسامد در اغراض زیر به کار رفته‌اند:

- توییخ و ملامت:

صنم تا کی دل ما را کنی آب
دل نازک ندارد این قدر تاب
اگر تو راست می‌گویی به فایز
به بیداری بیا پیشم نه در خواب
(فایز، ۱۳۹۳: ۵)

رُخت تا در نظر می‌آرم ای دوست
خودم را زنده می‌پندارم ای دوست
ولی چون تو برفتی یار فایز
بگو این دل به کی بسپارم ای دوست
(فایز، ۱۳۹۳: ۲۸)

ز من گشتی جدا ای سرو آزاد
نبودم یک زمانی بی تو دل‌شاد
چه کردم ای مه فایز که هرگز
نه یادم کردی و نه رفتی از یاد
(فایز، ۱۳۹۳: ۳۹)

- استفهام انکاری:

دل آگه چه محتاج برید است؟
چه حاجتمند پیغام و نوید است؟
خبر از حال فایز یار دارد
چه لازم دیگرش گفت و شنید است؟
(فایز، ۱۳۹۳: ۱۶)

هنوزم بوی زلفش در مشام است
هنوزم ذوق لب‌هایش به کام است
کجا فایز شود از ناله خاموش
مگر آن دم که در خاکش مقام است
(فایز، ۱۳۹۳: ۱۹)

- هشدار:

مرا این زندگی از بوی یار است
وگر نه جان بدین پیکر چه کار است؟
کنون که هست فایز زنده ز آن است
دو چشم و دل به راه انتظار است
(فایز، ۱۳۹۳: ۱۷)

دلم از فرقت روی تو خون شد
سرشکم چون رخ تو لاله‌گون شد
به عمری آرزو کردم که گویی
که ای فایز! سرانجام تو چون شد
(فایز، ۱۳۹۳: ۵۵)

مکش سرمه به چشم نازپرور مکن روز مرا از شب سیه‌تر
نمی‌سوزد دلت از بهر فایز چه خواهی گفت فردا روز محشر؟
(فایز، ۱۳۹۳: ۷۹)

- تأسف:

رخ تو آتش و زلف تو دود است مرا زین سردمهری‌ها چه سود است؟
چو فایز در بیابان تشنه جان داد چه حاصل در صفاهان زنده‌رود است
(فایز، ۱۳۹۳: ۱۵)

من از عهد جوانی تا شدم پیر نکردم در جفای دوست تقصیر
چرا فایز وفا کرد و جفا دید کنم با کوکب بختم چه تدبیر
(فایز، ۱۳۹۳: ۸۰)

فایز هنگام کاربرد جملات پرسشی، معنای ثانویه توییخ و ملامت را بیشتر از سایر موارد به کار برده است. در حقیقت او برای انتقال تعالیم اخلاقی و بازداشتن مخاطب از اشتباه، به جای امر یا نهی مستقیم سعی کرده است از طریق مقوله پرسش و با زبان عاطفی و ساده و صمیمی ملامت، به این مهم دست یابد. فایز برای وفاداری، عطوفت و مهربانی، عدم جور و ستم، محبت و... از این قبیل جملات استفاده می‌کند و می‌کوشد با استفاده از ابزار بلاغی پرسش، خوانندگان را از معیارهای انسانی آگاه سازد و در راه رسیدن به سعادت یاری دهد.

پس از توییخ و ملامت، بیشترین جملات پرسشی به صورت استفهام انکاری است و فایز از این طریق بدون اینکه به صورت مستقیم در پی بیان آرا و عقاید خود باشد، با پرسش انکاری به این هدف دست می‌یابد. پرسش بلاغی با توجه به اینکه در آن، گوینده هیچ‌گونه انتظاری برای دریافت پاسخ ندارد، یکی از راه‌های مؤثر برای برجسته‌سازی پیام است؛ بنابراین فایز از طریق پرسش و بدون کاربرد روش مستقیم،

نصایح و پیام‌های اخلاقی مورد نظر خود را با برجستگی و تأکید بیشتر به مخاطب منتقل می‌کند.

۴-۲. جملات امری

رجایی در کتاب *معالم البلاغه* در تعریف امر می‌گوید: «امر طلب حصول فعل است بر سبیل استعلاء؛ یعنی در حالتی که طالب خود را در شأن و مرتبه بالاتر از کسی که از او طلب می‌کند بداند، خواه در حق و واقع چنین باشد یا نه؛ بلکه فقط به حسب ادعای طالب باشد و لذا در صورت دوم، طالب را به اسائه ادب موصوف کنند» (رجایی، ۱۳۵۹: ۱۴۹).

غرض اصلی از امر، تقاضا یا دستور است؛ اما در ادبیات در مقاصد مجازی هم به کار می‌رود. این دسته از جملات در انتقال اندیشه‌های تعلیمی فایز نقش بسیار مهمی دارند.

در آثار بلاغی معمولاً ارشاد، معنای ثانوی جملات امری است؛ اما در ابیات تعلیمی که هدف اصلی متکلم، تعلیم و ارشاد مخاطب است، بهتر است ارشاد در جایگاه معنای اصلی و حقیقی جمله در نظر گرفته شود؛ زیرا غرض اصلی همه جملات تعلیمی به‌ویژه در امر و نهی، ارشاد مخاطب است.

در بررسی دوبیتی‌های فایز، بسیاری از جملات با معنای حقیقی و به قصد ارشاد به کار رفته‌اند؛ اما فایز علاوه بر اینکه در ابیات بسیاری امر را به‌طور مستقیم و برای ارشاد و راهنمایی به کار برده، در مواردی نیز علاوه بر غرض اصلی ارشاد و راهنمایی، ابیات تعلیمی را با معنای ثانویه زیر بیان کرده است:

- تشویق

مه بالانشین، پایین نظر کن به مسکینان کلامی مختصر کن
بتا فایز غریب این دیار است محبت با غریبان بیشتر کن
(فایز، ۱۳۹۳: ۹۱)

- هشدار

بیا تا برگ گل نارفته بر باد گلی چینیم و بنشینیم دل‌شاد
بت فایز مکن تأخیر چندان که تعجیل است عمر آدمیزاد
(فایز، ۱۳۹۳: ۳۴)

- توبیخ و ملامت

از دیگر مباحثی که در اغراض ثانویه جملات خبری می‌توان به آن اشاره کرد،
توبیخ و ملامت است. «گاهی شاعر با بیان کردن جملات خبری، سعی در رساندن خبر
به مخاطب یا مخاطبان خود ندارد؛ بلکه به‌منظور توبیخ و ملامت کردن از آن بهره
می‌برد» (نیکخواه نوری، ۱۳۹۹: ۷۴۶).

به هر جا بگذرد آن ماه‌رخسار گریزد دین ز در ایمان ز دیوار
دخیل ای یار فایز، رخ بپوشان ز مردم روی خود پوشیده می‌دار
(فایز، ۱۳۹۳: ۷۴)

- فرح و شادی

به زیر زلف برق گوشواره زدی بر خرمن عمرم شراره
بیا فایز که از نو آتش طور تجلی کرده بر موسی دوباره
(فایز، ۱۳۹۳: ۱۰۷)

- ارشاد و راهنمایی

دلا از بی‌وفایان دست بردار برو با نیک‌خویان کن سروکار
که فایز از جفاهای زمانه شده در دست مهرویان گرفتار
(فایز، ۱۳۹۳: ۶۹)

- اذن و اجازه

مگر یار آمده بر پشت بامم که بوی جنت آید بر مشام؟
فرود آگرچه فایز نیست قباب بیا بنشین نگه دار احترامم
(فایز، ۱۳۹۳: ۸۷)

- تهدید و تحذیر

اگر دانی که فردا محشری نیست سؤال و پرسش و پیغمبری نیست
بتاز اسب جفا تا می‌توانی که فایز را سپاه و لشکری نیست
(فایز، ۱۳۹۳: ۲۹)

ره عشق است باید زان حذر کرد به اول گام باید ترک سر کرد
نه راه هرکس است این راه، فایز خوشا آن شیردل کاو این سفر کرد
(فایز، ۱۳۹۳: ۴۷)

- التماس

صنم عشق تو همچون نار نمرود مرا در منجیق عشق فرسود
خلیل آسا رود فایز در آتش تو قل یا نار کونی برد کن زود
(فایز، ۱۳۹۳: ۶۲)

بگو تا دلبر حورم بیاید سفید و نازک و بورم بیاید
دمی که می‌رود تابوت فایز بگو تا بر لب گورم بیاید
(فایز، ۱۳۹۳: ۶۵)

بتا بیژن‌صفت در چه گرفتار منیژه‌وار اگر هستی وفادار
کمند زلف بگشا چون تهمتن تو فایز را ز چاه غم برون آر
(فایز، ۱۳۹۳: ۶۷)

- استرحام

پری‌رویان سلام از من رسانید که ای سیمین‌تان تا می‌توانید
ز پافتاده‌ای را دست گیرید چو فایز بیدلی از در مرانید
(فایز، ۱۳۹۳: ۶۶)

لب و دندان و چشم و زلف و رخسار بر و دوش و قد و بالا و رفتار
به جنت حور اگر فایز چنین است بر احوالت به محشر گریه کن زار
(فایز، ۱۳۹۳: ۷۳)

دل من در خم زلفت گره‌گیر چنان شیری که افتاده به زنجیر
ترحم کن دمی بر فایز زار مگر در مذهب کردم چه تقصیر؟
(فایز، ۱۳۹۳: ۸۱)

مرو ای جان شیرین از بر من توفف کن که آید دلبر من
بده فایز به تلخی جان شیرین که جانانت بگیرد سر به دامن
(فایز، ۱۳۹۳: ۹۲)

- گله و شکایت

گذشت ایام گل ای بلبل زار بکن چون من ز هجران ناله بسیار
گل تو سر زند هر ساله از نو گل فایز نمی‌روید دگر بار
(فایز، ۱۳۹۳: ۷۰)

دلا تا چند در آزارم از تو گهی نالان، گهی بیمارم از تو
تو فایز در جهان بدنام کردی برو ای دل که من بیزارم از تو
(فایز، ۱۳۹۳: ۹۸)

همان گونه که ملاحظه می‌کنیم، جملات امر در معنای حقیقی ارشاد بیان شده‌اند؛ اما معانی ثانویه‌ای نیز می‌توان از ابیات برداشت کرد که مهم‌ترین آن‌ها استرحام و التماس است. فایز از طریق جملات امری، مخاطب خود را برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف متعالی ترغیب می‌کند و در درج، اول سعی دارد از طریق امید بخشیدن و تشویق، مخاطب خود را به خیر و نیکی رهنمون شود.

پس از کاربرد جملات امری با معنای استرحام و التماس، بیشترین جملات امری با معنای ثانویه گله و شکایت به کار رفته‌اند. فایز در بسیاری از ابیات سعی دارد از طریق التماس و استرحام، مخاطب خود را آگاه کند و مناسب‌ترین راه برای ورود به این مقوله را بهره‌گیری از جملات امری می‌داند. او با آگاهی از قابلیت جملات امری در مقوله‌های معنایی متفاوت، از این جملات و معنای ثانویه آن‌ها مناسب با فضای اثر

خود بهره می‌برد. به‌عنوان مثال، در بخش‌هایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مخاطب او معشوق است، از جملات امری بهره می‌برد که دارای درون‌مایه هشدار و تهدید هستند و معنای ثانویه تشویق و ترغیب را در خود دارند تا از این طریق به‌گونه‌ای محترمانه مخاطب را به نیکی تشویق کند. جملات امری که با این معنای ثانویه همراه باشند، کلام را به‌سوی سادگی و بُعد عاطفی بیشتری هدایت می‌کنند و تأثیرگذارترند. همچنین در بسیاری از ابیاتی که روی سخن فایز با تمامی مخاطبان خود است، مانند حکیمی آگاه به مسائل دینی و دنیوی سعی می‌کند از طریق جملات امری و با معنای هشدار و تحذیر، مخاطب خود را ارشاد و هدایت کند. گاه نیز برای ارشاد مخاطب از جملات امری با معنای ثانویه توییح و ملامت بهره می‌گیرد. فایز با کاربرد جملات امر در این معنا مخاطب خود را به‌طور غیرمستقیم از بدی باز می‌دارد و به‌خوبی رهنمون می‌شود.

در مجموع، کاربرد جملات امری چه در معنای حقیقی آن و چه در معنای ثانویه، بیانگر اهمیت آن در اندیشه تعلیمی فایز است. بسامد بالای جملات امری در میان دوبیتی‌های فایز نشان از اهمیت متکلم برای حضور مخاطب در متن دارد؛ زیرا التماس، استرحام، ارشاد، هشدار، تشویق و توییح و ملامت در صورتی از سوی متکلم معقول است که او به حضور مخاطب اعتقاد و ارتباط نزدیکی با او در متن داشته باشد. یکی از جنبه‌های اصلی تأثیرگذاری ادبیات تعلیمی، تقویت ارتباط میان متکلم و مخاطب است و متکلم موفق و هوشیار معمولاً از ابزارهای طبیعی مخاطب‌محور در ایجاد ارتباط کلامی بهره می‌برد. جملاتی که به‌طور مستقیم مخاطب را مورد توجه قرار دهند، ابزارهای طبیعی ایجاد ارتباط کلامی هستند. به نظر می‌رسد فایز با شناخت این ویژگی ادبیات تعلیمی و کاربرد گسترده جملات خبری طلبی، جملات امر و نهی و جملات پرسشی که مستقیماً مخاطب را مورد توجه قرار می‌دهند، مطالب تعلیمی خود را به شیوه‌ای مؤثر بیان کرده است.

۵. جملات خبری

در علم معانی، جملات به خبری و انشایی تقسیم می‌شوند. «خبر سخنی است که مدلول آن در خارج از ذهن و جدای از گفتار وجود داشته باشد. مقصود از راست بودن خبر، هماهنگی آن با واقعیت و حقیقت است و مراد از دروغ بودن خبر، ناهماهنگ بودن آن با واقعیت است» (هاشمی، ۱۳۸۸: ۹۱). بنابراین کلام خبری آن است که صدق و کذب را ذاتاً در ماهیت خود دارد و به وسیله آن، عمل اطلاع‌رسانی صورت می‌گیرد؛ یعنی فرستنده پیام را به گیرنده منتقل می‌کند.

غرض اصلی از جمله خبری، انتقال پیام به شنونده یا خواننده است؛ اما در آثار ادبی غالباً خبر با انگیزه‌های هنری ابراز می‌شود و هدف اصلی آن اطلاع‌رسانی نیست؛ بلکه ایراد سخن فصیح با معانی ثانویه و بنا به مقتضای حال مخاطب، از اهداف اصلی جملات خبری در آثار ادبی است. تفتازانی جمله خبری را به سه نوع افاده حکم، افاده لازم حکم و اغراض دیگر تقسیم می‌کند (تفتازانی، بی‌تا: ۱۹). بر همین اساس، صاحب کتاب *هنجار گفتار* می‌گوید: «مخاطب یا عالم است به حکم کلام یا جاهل است و جاهل یا منکر است و معتقد به خلاف و یا متردد است و درصدد سؤال و یا خالی‌الذهن. پس اگر عالم است، القای کلام به او لغو خواهد بود، مگر آنکه مقصود، غرض دیگری باشد نه افاده حکم» (تقوی، ۱۳۶۳: ۲۱).

در کتاب‌های بلاغت جمله خبری را به طلبی، انکاری و ابتدایی تقسیم می‌کنند. پایه و اساس این تقسیم‌بندی بر اساس توجه به شنونده است. منظور از شنونده، طرف مقابلی است که در کلام وجود دارد و مؤکد بودن سخن برای او شکل می‌گیرد. این مخاطب با شنونده یا خواننده عمومی کلام تفاوت دارد. مخاطب جمله‌های خبری طلبی، ابتدایی و انکاری در کلام حضور دارد و متکلم برای مؤثر کردن سخن خود، با به کارگیری عوامل تأکید یا به کار بستن آن‌ها، با توجه به وضعیت مخاطب حاضر در سخن، کلام خود را تنظیم می‌کند. در خبر ابتدایی که شنونده خالی‌الذهن است متکلم

از ترک تأکید، در خبر طلبی که مخاطب سائل است از حُسن تأکید و در خبر انکاری که مخاطب منکر است از وجوب تأکید بهره می‌گیرد؛ اما در هر حال به کارگیری عوامل تأکید در مقابل مخاطب سائل یا منکر، مطابق با اقتضای حال مخاطب است. همچنین در کتاب‌های بلاغی درباره مقاصد و اغراض خبر آمده است: «مقاصد و اغراض خبر، یکی فایده و دیگری لازم فایده خبر است. زمانی که به مخاطب یا شنونده خبری داده شود که از آن اطلاع نداشته، فایده خبر می‌گویند؛ ولی اگر مخاطب از خبر آگاهی داشته، هدف گوینده، دادن خبر تازه به شنونده نیست، بلکه غرض او از خبر، یکی از لوازم حکم است که به آن لازم فایده خبر می‌گویند» (انزایی نژاد، ۱۳۶۷: ۶۱).

۵-۱. بررسی کارکرد خبر بر اساس حال مخاطب

گفته شد خبر بر اساس احوال مخاطب به دو بخش ابتدایی و طلبی انکاری تقسیم می‌گردد. در این بخش کارکرد انواع خبر بر اساس حال مخاطب بررسی و تحلیل می‌شود؛ زیرا طرح این موضوع بر اهمیت واکنش مخاطب نسبت به کلام دلالت دارد و می‌تواند نشان‌دهنده ذهنیت متکلم درباره سطح آگاهی مخاطب و انعکاس آن در نحوه بیان مطلب باشد.

۵-۱-۱. خبر طلبی

گاه اقتضا می‌کند شاعر مخاطب غیرمنکر را مردّد یا منکر فرض کند؛ بدین معنی که اصل اولیه در کلام آن است که کلام برای این‌گونه مخاطبان بدون تأکید آورده شود و در حالی که مخاطب تردید و انکاری ندارد، او را منکر فرض کرده، کلام را با مؤکدات مختلف تأکید می‌کنند.

در علم معانی به این حالت، اصطلاحاً اقتضای حال می‌گویند؛ یعنی گوینده مخاطب را منکر فرض می‌کند و سخن خود را با تأکید می‌آورد. علت این مطلب آن است که مخاطب به حقیقت اقرار نمی‌کند. در ابیات تعلیمی، کارکرد و بسامد انواع خبر، دال بر اهمیت انتقال صریح پیام در زبان شاعر است و توجه به احوال مخاطب و

در نظر گرفتن سطح آگاهی او تعیین‌کننده میزان استفاده از انواع جملات خبری است. از آنجا که اقتضای تعلیم و آموزش بر تأکید استوار است، فایز برای انتقال مؤثرتر مفاهیم اخلاقی، از جملات خبری طلبی بیش از خبر ابتدایی بهره برده است. او با در نظر گرفتن احوال خوانندگان شعر خود، به‌ویژه حالت تردید یا انکار برخی مخاطبان، سعی می‌کند جملات خبری را با تأکید بیشتر و به شکل جملات طلبی بیان کند تا از یک سو بتواند اندیشه‌های تعلیمی خود را به شکلی قاطع‌تر به مخاطب منتقل کند و از سوی دیگر، حضور فعال مخاطب را در اثر خود نشان دهد. به‌طور کلی تعاریف جملات خبری و تقسیم این جملات به خبر ابتدایی، طلبی و تأکیدی نشان می‌دهد که ماهیت این جملات بر وجود مخاطب، خواه درجه اول و خواه دوم و سوم استوار است؛ به‌ویژه هنگام کاربرد خبر طلبی، آوردن تأکید در جمله و اصرار بر اثبات سخن از سوی شاعر، زمانی منطقی خواهد بود که او به حضور مخاطبی در متن خود اعتقاد داشته باشد که ممکن است با او هم‌عقیده نباشد. بنابراین فایز با کاربرد هریک از انواع جملات خبری، به‌طور ضمنی بر حضور مخاطب تأکید می‌کند و در مواردی نشان می‌دهد که این مخاطب، مردّد یا منکر نیز هست. بسامد بالای جملات خبر طلبی نشان می‌دهد شاعر برای انتقال اندیشه‌های تعلیمی خود سعی داشته است از جملاتی بهره ببرد که تأکید و قاطعیت بیشتری دارند تا حتی مخاطب مردّد یا منکر را نیز وادار به پذیرش کند. از مهم‌ترین شیوه‌های تأکید و آوردن خبر طلبی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- استفاده از جمله‌های خبری با غرض امر مؤکّد و در قالب تنبیه و تحذیر: این شیوه برای جلب توجه مخاطب استفاده شده، باعث تأکید جمله می‌گردد.

مگر یار آمده بر پشت بامم که بوی جنت آید بر مشامم؟
 فرود آ گرچه فایز نیست قابل بیا بنشین نگه دار احترامم

(فایز، ۱۳۹۳: ۷۰۹)

- استفاده از ضمیر مشترک

به هرجا بگذرد آن ماه‌رخسار
دخیل ای یار فایز، رخ بپوشان
گریزد دین ز در ایمان ز دیوار
ز مردم روی خود پوشیده می‌دار
(فایز، ۱۳۹۳: ۶۹۵)

رخت تا در نظر می‌آرم ای دوست
ولی چون تو برفتی یار فایز
خودم را زنده می‌پندارم ای دوست
بگو این دل به کی بسپارم ای دوست
(فایز، ۱۳۹۳: ۷۰۱)

- کاربرد ضمائر اشاره در ابتدای جمله

مرا در پیش راهی پر ز بیم است
برو فایز میندیش از مهابت
ازین ره در دلم خوفی عظیم است
که آنجا حکم یا ربّ رحیم است
(فایز، ۱۳۹۳: ۶۹۹)

دل و شوق و خیال و مهر هر چار
تو را این چار فایز دشمنان‌اند
کشاندم همی تا منزل یار
از این خصمان به مردی خود نگه دار
(فایز، ۱۳۹۳: ۷۹)

بهشت از روی تو بهتر نباشد
از آن لعل لب و دندان، فایز
ز حوران حسن تو کمتر نباشد
یقین دارم که در کوثر نباشد
(فایز، ۱۳۹۳: ۷۰۶)

- تکرار کلمه

بیا تا برگ گل نارفته بر باد
بت فایز مکن تأخیر چندان
گلی چینیم و بنشینیم دل‌شاد
که تعجیل است عمر آدمیزاد
(فایز، ۱۳۹۳: ۷۰۶)

دلا امشب نه وقت قال و قیل است
بین فایز! قوافل در قوافل
نه هنگام حکایات طویل است
به هر جانب صدای الرحیل است
(فایز، ۱۳۹۳: ۶۸۵)

- کاربرد ادات تأکید

پری‌رویان سلام از من رسانید
ز پافتاده‌ای را دست گیرید
که ای سیمین‌تان تا می‌توانید
چو فایز بیدلی از در مرانید
(فایز، ۱۳۹۳: ۷۰۸)

رخ تو آتش و زلف تو دود است
چو فایز در بیابان تشنه جان داد
مرا زین سردمهری‌ها چه سود است؟
چه حاصل در صفاهان زنده‌رود است
(فایز، ۱۳۹۳: ۶۸۴)

ز آب و آتش و از خاک و از باد
چو چشم ما نظر بگشاد، فایز
خدا رخسار خوبان را صفا داد
«غَضُوا أَبْصَارَكُمْ» را کرد ارشاد
(فایز، ۱۳۹۳: ۵۱)

- تکرار ضمیر

دل از من چشم شهلا دلبر از تو
بنه بر جان فایز منت از لطف
لب خشکیده از من کوثر از تو
سر از من سینه از من خنجر از تو
(فایز، ۱۳۹۳: ۹۷)

دلا تا چند در آزارم از تو
تو فایز در جهان بدنام کردی
گهی نالان، گهی بیمارم از تو
برو ای دل که من بیزارم از تو
(فایز، ۱۳۹۳: ۹۸)

- تأکید به وسیله ادات قصر

دل من در خم زلفت گره‌گیر
ترحم کن دمی بر فایز زار
چنان شیری که افتاده به زنجیر
مگر در مذهبتم کردم چه تقصیر
(فایز، ۱۳۹۳: ۸۱)

هنوزم بوی زلفش در مشام است
کجا فایز شود از ناله خاموش
هنوزم ذوق لب‌هایش به کام است
مگر آن دم که در خاکش مقام است
(فایز، ۱۳۹۳: ۱۹)

سحر دل خود به خود فریاد می‌کرد از این فریاد، خاطر شاد می‌کرد
سراپا شمع‌سان می‌سوخت فایز مگر عهد جوانی یاد می‌کرد
(فایز، ۱۳۹۳: ۴۹)

- مقدم داشتن آنچه باید مؤخر باشد: تقدیم اجزایی که باید مؤخر باشد، قابلیت
زبانی است که سبب ارتباط مؤثرتر با مخاطب می‌شود و به همین دلیل در متون تعلیمی
جایگاه ویژه‌ای دارد. به عنوان مثال، در ابیات زیر، تقدیم مسند سبب تأکید بر مفهوم
کلّ جمله می‌شود و خواننده را در همان آغاز جمله به اهمیت پیام و دریافت آن
راهنمایی می‌کند.

مه بالانشین، پایین نظر کن به مسکینان کلامی مختصر کن
بتا فایز غریب این دیار است محبت با غریبان بیشتر کن
(فایز، ۱۳۹۳: ۹۱)

مرا خلد برین دی بودی‌ام جا کنونم دوزخ است امروز مأوا
نمانده دی نماند فایز امروز خدا داند چه باشد حال فردا
(فایز، ۱۳۹۳: ۱)

- تأکید به وسیله حروف منفی که موجب قصر کلام نیز می‌شود

بیا تا برگ گل نارفته بر باد گلی چینیم و بشینیم دل شاد
بت فایز مکن تأخیر چندان که تعجیل است عمر آدمیزاد
(فایز، ۱۳۹۳: ۳۴)

به دل گفتم مکن این قدر فریاد که اندر خرمن صبر آتش افتاد
بسوزد هستی فایز سراپا گهی کان چشم شهلا آیدم یاد
(فایز، ۱۳۹۳: ۴۳)

دو چشمت چون به چشمانم نگه کرد لب لعل و رخت روزم سیه کرد
مکن عشوه دگر بر فایز زار که ابروی کجت جانم تبه کرد
(فایز، ۱۳۹۳: ۴۸)

۵-۱-۲. خبر ابتدایی در ابیات تعلیمی

جمله‌های خبری که بدون تأکید باشند، خبر ابتدایی نامیده می‌شوند. در چنین مواقعی مخاطبی در تصور متکلم ایجاد شده که در برابر خبر، حالت شک یا انکار ندارد. فایز با در نظر گرفتن احوال مخاطب خود، گاه برای بیان اندیشه‌های تعلیمی‌اش از جملات خبر ابتدایی بهره می‌برد و از این طریق از مخاطبی که مردد یا منکر نیست، به صورت عاملی برای گرفتن تأیید درونی و ذهنی نسبت به اندیشه و آموزه‌های تعلیمی خود استفاده می‌کند.

سحر دل خود به خود فریاد می‌کرد از این فریاد، خاطر شاد می‌کرد
سراپا شمع‌سان می‌سوخت فایز مگر عهد جوانی یاد می‌کرد
(فایز، ۱۳۹۳: ۴۹)

ندانم ای غزالم از چه دشتی در ایام جوانی خوش گذشتی
گذشتی از بر چشمان فایز چو عمر رفته رفتی برنگشتی
(فایز، ۱۳۹۳: ۱۰۸)

قابلیت این دسته از جملات خبری در پذیرش مفاهیم تعلیمی و انتقال معانی ثانوی برای فایز امکانات گوناگونی فراهم آورده است تا به وسیله این جملات، اندیشه‌های تعلیمی خود را به شکل مؤثرتری بیان کند. به طور کلی به هنگام تعلیم، میزان تأثیرگذاری نوشتار از گفتار کمتر است؛ زیرا در گفتار، عواملی مانند آهنگ کلام، تکیه‌ها و درنگ‌ها، حالات دست و صورت و از همه مهم‌تر، حضور مستقیم مخاطب به یاری متکلم می‌آیند تا کلامی مؤثرتر داشته باشد. از این رو در متن‌های تعلیمی به دلیل حضور نداشتن متکلم و مخاطب به صورت مستقیم، دانش و اطلاعات متکلم در زمینه علم معانی می‌تواند بسیار کارگشا باشد. فایز شاعری است که با تکیه بر این دانش و ظرفیت جملات در پذیرش معانی ثانویه، هنگام بیان اندیشه‌های تعلیمی خود برای جبران ضعف شیوه نوشتاری، جملات خبری را با شیوه‌های متفاوت و با معانی ثانوی به کار می‌برد و از این طریق بر مخاطب تأثیر بیشتری می‌گذارد. به نظر می‌رسد

هنگام بیان اصول اخلاقی و تعلیمی، تمامی خوانندگان این اثر مدنظر شاعر بوده‌اند؛ به همین دلیل فایز برای تأثیرگذاری بیشتر بر این دسته از مخاطبان و انتقال پیام به آن‌ها از روش‌های متنوعی در شیوه بیان خود استفاده می‌کند. این شیوه‌های متنوع در کاربرد خبر ابتدایی، سبب انتقال بهتر پیام در اثر مذکور شده است.

- استفاده از جملات دعایی همراه با جمله خبری: در بررسی ابیات تعلیمی مشخص شد گاه شاعر برای افزایش بار عاطفی جمله و تأثیر بیشتر بر مخاطب، پیام اخلاقی خود را در قالب خبر ابتدایی و همراه با جمله دعایی بیان کرده است.

خداوندا جوانی‌ام به سر رفت درخت شادکامی بی‌ثمر رفت
درخت شادکامی عمر فایز سر شام آمد و بانگ سحر رفت
(فایز، ۱۳۹۳: ۳۱)

پس از بیریدن و پیوند جانان مرا خوش آمده از دادن جان
پس از مرگ جوانی همچو فایز تو را خوش باد صحبت با رفیقان
(فایز، ۱۳۹۳: ۹۰)

- استفاده از حرف پیوند «که» در جملات اسنادی: در این دسته از جملات اگرچه شاعر اندیشه تعلیمی خود را در قالب خبر ابتدایی بیان می‌کند، از طریق حرف پیوند «که» به‌طور ضمنی برای سخن خود دلیلی می‌آورد و از این روش باعث جلب توجه مخاطب می‌شود. در علم معانی این کاربرد حرف «که» را می‌توان نوعی اطناب و از نوع ایضاح پس از اطناب دانست.

مرا در پیش راهی پر ز بیم است ازین ره در دلم خوفی عظیم است
برو فایز میندیش از مهابت که آنجا حکم یا رب رحیم است
(فایز، ۱۳۹۳: ۲۰)

به دل گفتم مکن این‌قدر فریاد که اندر خرمن صبر آتش افتاد
بسوزد هستی فایز سراپا گهی کان چشم شهلا آیدم یاد
(فایز، ۱۳۹۳: ۴۵)

۵-۱-۳. مقاصد ثانویه خبر در ابیات تعلیمی ترانه‌های فایز

در ابیات تعلیمی ترانه‌های فایز در مواردی خبر در معنای حقیقی به کار رفته است؛ اما بیشتر جملات خبری در معنای ثانویه آمده‌اند. گفته شد که معانی ثانویه خبر، منشأ کارکرد هنری جمله و تأثیرگذاری آن در برقراری و تحکیم ارتباط متکلم و مخاطب است؛ به عبارت دیگر، تأثیرگذاری بر مخاطب و تقویت ارتباط با او از طریق مقاصد ثانوی خبر میسر می‌شود. در بررسی ابیات حیطه پژوهش، بیشترین اغراض ثانویه خبر عبارت‌اند از:

- ابراز تأسّف و اندوه

لب و دندان و چشم و زلف و رخسار بر و دوش و قد و بالا و رفتار
به جنت حور اگر فایز چنین است بر احوالت به محشر گریه کن زار
(فایز، ۱۳۹۳: ۷۳)

مرا زان روز قصه مشکل افتاد که کار من رجوعش با دل افتاد
ملامت‌های خلق و خیر فایز همه بی‌صرفه و بی‌حاصل افتاد
(فایز، ۱۳۹۳: ۳۷)

- تشویق

اگر دورم من از تو ای پری‌زاد فراموشم نکن زنهار زنهار
همان عهدی که با تو بست فایز وفادارم اگر هستی وفادار
(فایز، ۱۳۹۳: ۶۸۵)

- هشدار

صنم تا کی دل ما را کنی آب دل نازک ندارد این‌قدر تاب
اگر تو راست می‌گویی به فایز به بیداری بیا پیشم نه در خواب
(فایز، ۱۳۹۳: ۵)

نه یادم می‌کنی نه می‌روی یاد به نیکی باد یادت ای پری‌زاد

عجب نبود کنی فایز فراموش فراموشی است رسم آدمیزاد
(فایز، ۱۳۹۳: ۴۲)

- توییخ

دو چشمت چون به چشمانم نگه کرد لب لعل و رخت روزم سیه کرد
مکن عشوه دگر بر فایز زار که ابروی کجت جانم تبه کرد
(فایز، ۱۳۹۳: ۴۸)

- اظهار ناتوانی و ضعف

مسلمانان گرفتار دل استم ضعیف‌المال و بیمار دل استم
نبود این قدر فایز بی‌بصیرت کنون در مانده در کار دل استم
(فایز، ۱۳۹۳: ۸۳)

هر آن کس عاشق است از دور پیداست لبش خشک و دو چشمش مست و شیدا است
بود فایز مثال روزه‌داران اگر تیرش زنی خویش نه پیداست
(فایز، ۱۳۹۳: ۲۳)

۲-۵. اغراض ثانوی خبر

گاه جملات خبری از قصد اولیه و اصلی خود (دادن پیام به مخاطب) خارج می‌شوند و برای اغراض دیگری به کار می‌روند که به آن معانی ثانوی می‌گویند (شمیسا، ۱۳۷۹: ۶۶). قصد اولیه و اصلی از ایراد جملات خبری، اخبار است؛ یعنی منتقل کردن پیامی به مخاطب، ولی از جملات خبری برای اغراض دیگری هم استفاده می‌شود که در علم معانی بررسی می‌گردد. گاهی مقاصد دیگری، وظیفه اصلی، یعنی اخبار را تحت الشعاع خود قرار می‌دهند؛ یعنی معانی ثانوی جمله خبری، یکی از لوازم آن است؛ مثلاً اگر به کسی بگوییم «من پیر شدم» ممکن است مقصود ما یکی از لوازم این اخبار، مثلاً اظهار تأسّف و اندوه باشد نه خود نفس خبر و این البته بستگی به مقتضای حال و مقام دارد. پس در هر حالی کلام یا خبر با توجه به اوضاع و احوال فهمیده می‌شود. بر این اساس می‌توان جمله‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: نخست

جمله‌هایی که هدف از آن‌ها آگاه کردن مخاطب است و دسته دیگر، جملاتی که در آن‌ها احساسات و عواطف اظهار می‌شود. در نوع اول، هدف متکلم فقط اعلام خبر است بدون در نظر داشتن اقتضای حال مخاطب، اما در نوع دیگر، گوینده مخاطب سخن را در نظر داشته و سخن خود را با توجه به او شکل داده است. در این دسته از جملات، متکلم قصد اخبار و اعلام ندارد؛ بلکه احساس و عاطفه خود را از طریق جمله خبری به مخاطب منتقل می‌کند. در جملات خبری دسته اول، ارتباط با مخاطب از طریق برجسته کردن موضوع شکل می‌گیرد؛ اما در نوع دوم، جهت‌گیری اصلی پیام به سوی فرستنده است؛ یعنی فرستنده با بیان خبر می‌خواهد یکی از ماهیت‌های درونی خود را اظهار کند. این ویژگی خبر، در حقیقت همان اغراض ثانویه خبر است که یکی از موضوعات اصلی علم معانی محسوب می‌شود.

در بررسی دوبیتی‌های فایز، ۷۹ درصد از پیام‌های تعلیمی شاعر در قالب جملات خبری بیان شده که این امر نشان‌دهنده اهمیت این دسته از جملات در انتقال پیام‌های تعلیمی این اثر است. می‌توان گفت در ابیاتی که رویکرد تعلیمی دارند، امر و نهی‌های پی‌درپی موجب دلسردی مخاطب می‌شود؛ به همین دلیل، فایز برای حفظ جذابیت اشعار تعلیمی کوشیده است بیشتر از جمله‌های خبری مخاطب‌محور بهره‌برد و با استفاده از روش‌های متفاوت تأکید در این دسته از جملات، به هدف تعلیمی خود دست یابد.

برای بررسی و تحلیل انواع خبر بر اساس حال مخاطب، جملات خبری از نظر طلبی، ابتدایی، انکاری و همچنین اغراض ثانویه در این اثر بررسی شدند. بررسی جملات خبری از این منظر علاوه بر اینکه تصور ذهنی شاعر را درباره سطح ادراک مخاطب نشان می‌دهد، اهداف او را از بیان مطلب نیز تبیین می‌کند و معانی ثانوی، قابلیت‌های خبر و کارکرد آن را در برقراری ارتباط و انتقال پیام نشان می‌دهد.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی ابیات تعلیمی ترانه‌های فایز و بسامد آن‌ها در این اثر نشان می‌دهد فایز در اشعار خود از حکمت و پند و اندرز غفلت نمی‌کند و می‌کوشد بر افکار و اندیشه مخاطبان خود تأثیر بگذارد. بسامد کاربرد جملات انشایی و خبری در این ابیات از روش‌های مؤثر او برای ارشاد مخاطب و انتقال مفاهیم اخلاقی به شیوه‌های گوناگون با معانی ثانویه است. فایز در بسیاری از ابیات سعی دارد از طریق استرحام، التماس و تهدید، مخاطب خود را آگاه کند و مناسب‌ترین راه را برای ورود به این مقوله‌ها بهره‌گیری از جملات پرسشی می‌داند. او با آگاهی از قابلیت جملات پرسشی در مقوله‌های معنایی متفاوت، از این جملات و معانی ثانویه آن‌ها مناسب با فضای اثر خویش بهره می‌برد. فایز هنگام کاربرد جملات پرسشی، معنای ثانویه تویخ و هشدار را بیشتر از سایر موارد به کار برده است. در حقیقت او برای انتقال تعالیم اخلاقی و بازداشتن مخاطب از اشتباه، به‌جای امر یا نهی مستقیم سعی کرده است از طریق مقوله پرسش و با زبان عاطفی و ساده و صمیمی ملامت، به این مهم دست یابد. فایز برای وفاداری، عطوفت و مهربانی، عدم جور و ستم، محبت و... از این جملات استفاده می‌کند و تلاش دارد با استفاده از ابزار بلاغی پرسش، خوانندگان را از معیارهای انسانی آگاه سازد و در راه رسیدن به سعادت یاری دهد.

پس از تویخ و هشدار، بیشترین جملات پرسشی در معنای استفهام هستند. در استفهام انکاری، هدف اصلی اثبات چیزی است که به شکل انکاری مورد پرسش قرار گرفته است. فایز از این ابزار بلاغی نیز با زیرکی برای بیان اندیشه‌های تعلیمی خود بهره گرفته است و بدون اینکه به‌صورت مستقیم سعی در اثبات عقیده خود داشته باشد، با پرسش انکاری به این هدف دست می‌یابد. پرسش بلاغی که در آن گوینده هیچ‌گونه انتظاری برای دریافت پاسخ ندارد، یکی از راه‌های مؤثر برای برجسته‌سازی پیام است؛ بنابراین فایز از طریق پرسش و بدون کاربرد روش مستقیم پند و اندرز، پیام

اخلاقی مورد نظر خود را با برجستگی و تأکید بیشتر به مخاطب منتقل می‌کند. بسامد انواع خبر در ابیات تعلیمی فایز، دال بر اهمیت انتقال صریح پیام در زبان شاعر است. همچنین استفاده از انواع جملات خبری، نشان‌دهنده توجه شاعر به احوال مخاطب و در نظر گرفتن سطح آگاهی او در بیان اندیشه‌های تعلیمی است. از همین رو فایز در درجه نخست از خبر طلبی که تأکید بیشتری دارد برای بیان و انتقال پیام خود بهره گرفته و پس از آن از جملات خبری ثانویه استفاده کرده است. یکی دیگر از راه‌های ارشاد و تأثیرگذاری او بر مخاطب، کاربرد جملات امر و نهی است. این دسته از جملات با توجه به محتوای ابیات در بسیاری موارد در معنای حقیقی ارشاد بیان شده‌اند؛ اما معانی ثانویه‌ای نیز می‌توان از ابیات برداشت کرد که مهم‌ترین آن‌ها تأسّف و توبیخ است.

تحلیل انواع جمله از دیدگاه علم معانی در اشعار فایز نشان می‌دهد اغراض بلاغی خبر و انشا، مجالی وسیع برای شاعر فراهم آورده تا اندیشه‌های تعلیمی خود را به مخاطب القا کند. در متون تعلیمی، امر و نهی متوالی باعث رمیدگی مخاطب می‌شود؛ به همین دلیل در شعر فایز جمله‌های خبری بیشتر مخاطب‌محور بوده، کارکرد تعلیمی یافته است. این کارکردها شامل معانی‌ای چون توبیخ و ملامت، هشدار، تشویق کردن و امید دادن می‌شود. فایز از طریق جملات امر، مخاطب خود را برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف متعالی ترغیب می‌کند و در درجه اول سعی دارد از طریق امید بخشیدن و تشویق، مخاطب خود را به خیر و نیکی رهنمون شود.

منابع

- آقا حسینی، حسین و محمود براتی (۱۳۹۰)، **اهمیت پرسش در متون عرفانی**، مجله کاوش‌نامه، سال ۱۲، شماره ۲۲، صص ۱۳۱-۱۶۰.
- ارسطو (۱۳۷۱)، **و بطور یقا (فن خطابه)**، ترجمه پر خیده ملکی، تهران: اقبال.
- انزایی نژاد، عبدالحسین (۱۳۹۷)، **اصول علم بلاغت در زبان فارسی**، قم، الزهراء.

۱۶۰ _____ بررسی اغراض بلاغی خبر و انشای طلبی در دوبیتی‌های فایز دشتی

- تفتازانی، سعدالدین مسعود (بی‌تا)، **مختصر المعانی فی تلخیص المفتاح**، قم: مصطفوی.
- تقوی، نصرالله (۱۳۶۳)، **هنجار گفتار در فن معانی و بیان و بدیع فارسی**، اصفهان: فرهنگ‌سرای اصفهان.
- جمالی، فاطمه (۱۳۹۵)، **نقد و تحلیل اغراض ثانوی خبر و انشا در علم معانی**، دوفصلنامه بلاغت کاربردی و نقد بلاغی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۹۵-۱۱۶.
- رجایی، محمدخلیل (۱۳۵۹)، **معالم البلاغه**، شیراز: دانشگاه شیراز.
- رضائزاد، غلامحسین (۱۳۶۷)، **اصول علم بلاغت در زبان فارسی**، قم: الزهرا.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۹)، **بیان و معانی**، تهران: فردوس.
- طالبیان، یحیی و زهرا فاتحی نصرآباد (۱۳۹۷)، **بیان مضامین تعلیمی در خلد برین وحشی بافقی با استفاده از خبر و انشای طلبی**، پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت، دوره ۷، شماره ۲، صص ۱۵۳-۱۷۲.
- فایز، محمدعلی (۱۳۹۳)، **ترانه‌های فایز، به کوشش عبدالمجید زنگویی**، چاپ نهم، تهران: ققنوس.
- کزازی، میرجلال‌الدین (۱۳۸۵)، **معانی و بیان**، تهران: کتاب‌ماد.
- محمودی، مریم (۱۳۹۳)، **بررسی اغراض بلاغی خبر و انشا در سبک تعلیمی ناصر خسرو (با تکیه بر دیوان قصاید)**، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، سال ۷، شماره ۲، صص ۲۵۱-۲۶۶.
- میرباقری فرد، علی‌اصغر و معصومه محمدی (۱۳۸۹)، **بررسی و تحلیل نقش پرسش در آثار عین‌القضات همدانی**، مجله پژوهش‌های ادبی، سال ۷، شماره ۲۹-۳۰، صص ۱۴۹-۱۶۶.
- نیکخواه نوری، ام‌البنین، مصطفی سالاری و بهروز رومیانی (۱۳۹۹)، **بررسی علم معانی در غزل‌های شفیعی کدکنی**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، دوره ۱۱، شماره ۲۱، صص ۴۷۱-۴۹۸.
- هاشمی، احمد (۱۳۸۸)، **جواهر البلاغه**، ترجمه حسن عرفان، قم: بلاغت.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۷۴)، **معانی و بیان**، به کوشش ماهدخت بانو همایی، تهران: هما.